

فرزندان سادات تأسیس شده بود اسفبار است. (۱)

واضح است که اصولی ترین مبارزه با نفوذ استعمار غربی در ایران، همین بود که گروهی از علمای خیر اندیش و افراد خیر و خدمتگزار انجام دادند و بدینوسیله عملاً ثابت نمودند که مخالفت علماء با مدارس جدید بخاطر جلوگیری از نفوذ فرهنگ استعماری غرب است.

در شیراز هم، موقعیکه مرحوم آقامیرزا ابراهیم محلانی مجتهد بزرگ، با مدرسه «مسترزایس» و کشیش انگلیسی که در آنجا به اطفال مسلمان درس می داد، مخالفت کرد تنها به این اکتفا ننمود بلکه به این فکر افتاد در مقابل مدرسه او مدرسه ای به سبک جدید در شیراز دائر نمایند تا بدینوسیله کودکان مسلمان را از رفتن به مدرسه کشیش انگلیسی باز دارند و از تجمار و کسبه خواست هزینه آن را تقبل نمایند. (۲)

طولی نکشید هدف آن مرحوم عملی شد و مدرسه «شریعت» در شیراز به همین منظور افتتاح گردید و مرحوم شیخ محمد حسین حیات و برخی از علماء و فضیلهای شیراز خود تربیت اطفال را به عهده گرفتند و برای اینکه نظر افراد متدین و مقدس را به این مدرسه جلب نمایند تا از این کار جدید احساس وحشت نکنند، خود علماء شهادت بخارج دادند فرزندان خود را در همین مدرسه ثبت نام کردند و روی این اصل، مرحوم آیت الله آقا شیخ جعفر محلانی که در شیراز به قدس و نفوس شهرت داشت و سازه از نجف برگشته بود برای اینکه لزوم این نوع مدارس را در جامعه گوشزد نماید، فرزند خود را به مدرسه «شریعت» فرستاد و عملاً مدرسه و برنامه آن را مورد تأیید قرار داد این بود که این مدرسه از طرف اهالی متدین شیراز مورد استقبال قرار گرفت.

(۱) حیات یحیی، ج ۲ / ۱۱۰

(۲) وقایع اتفاقیه ص ۶۹۵

اگر علمای شهر تبریز هم شجاعت و شهادت بخارج می دادند با مدرسه «رشدیه» مرحوم حاج میرزا حسن رشدیه، چنین برخورد می کردند، مسلماً در آن صورت آن مرحوم به آنچه گرفتاری و ناملازمات مبتلا نمی شد که گویند در وی هم رفته رشدیه چهار بار در تبریز دست به تأسیس مدرسه زد و هر بار عده ای بر ضد او برخاستند و او را تهدید کردند و او مجبور به تعطیل مدرسه و ترک تبریز گردید. . . . (۱)

بقول صاحب «تاریخ بیداری ایرانیان» . . . در اوایل ورودش مقدسین و بعضی از مردم او را مثل یکنفر کافر نجس العین میدانستند چه که الف و باء و تاء تغییر داده بود فتحه را که تا آن وقت «زیر» می گفتند صدای بالا نام نهادند و صدای پایین را که تا آن وقت «پیش» می نامیدند صدای «سطح» می گفت و کسره را که تا آن وقت «زیر» می خواندند صدای پائین می خواند و همچنین خط عمودی و خط افقی یاد اطفال میداد . . . دیگر آنکه می گفتند اطفال را زبان خارجه تعلیم داده است که به آنها گفته است شمار لفظی و شمار خطی، و این صورت را یاد اطفال داد: دیگر آنکه چوب و فلک در مدرسه ثبت، اطفال خود سربار می آیند شیخ سعدی صدها سال قبل گفته است:

استاد معلم که شود کم آزار خرسک بازند طفلان در بازار

فریاد مقدسین در مجالس بلند شد که آخر الزمان نزدیک شده است که جماعتی بایی و لامذهب می خواهند الف و باء ما را تغییر دهند. قرآن را از دست اطفال بگیرند و کتاب به آنها یاد بدهند. دیگر آن که به اطفال زبان خارجه تعلیم داده است که به آنها گفته است شمار لفظی و شمار خطی و این صورت را یاد اطفال داد (۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹) مجمل رساله هم از بعضی علماء تألیف

(۱) تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، دکتر محبوبی اندکائی ج ۱ / ۲۷۷